

بررسی پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق

زهرا پیشگاهی‌فرد* - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
حسن کریمی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

چکیده

کردستان عراق نام منطقه‌ای در شمال عراق است که از ابتدای استقلال این کشور در سال ۱۹۳۲ تاکنون بر سر جدایی از عراق جنگیده است. کردها پس از سال‌ها مبارزه توانستند در سال ۱۹۹۱ در شمال این کشور به حداقلی از خودمختاری دست یابند. با سقوط صدام (۲۰۰۴) کردها موفق شدند کردستان را به منطقه‌ای فدرالی تبدیل کنند. این منطقه تا سال ۲۰۱۴ در اوج شکوفایی بود، اما با ظهور داعش (۲۰۱۴)، کردها با حکومت مرکزی عراق بر سر بودجه و مناطق مورد مناقشه دچار اختلاف شدند و در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همه‌پرسی‌ای برگزار کردند که نتیجه آن، رأی مثبت به استقلال از عراق بود. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع مکتوب و اینترنت استفاده شده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که برگزاری همه‌پرسی چه پیامدهایی برای کردستان عراق در مقیاس منطقه‌ای داشته است. مطابق فرضیه پژوهش، این همه‌پرسی پیامدهای منفی سیاسی و اقتصادی متعددی برای آن‌ها ایجاد کرده است. نتایج نشان می‌دهد انزوای ژئوپلیتیکی تحمیلی، تحریم تجاری اقلیم کردستان توسط ترکیه و ایران و حمایت اسرائیل از مرکزگریزی کردها، از جمله پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه به موقعیت محصور در خشکی کردستان عراق و ناخرسندی کشورهای هم‌جوار از واگرایی کردها به دلیل تبعات ژئوپلیتیکی آن، هرگونه اقدامی از جانب آن‌ها در این زمینه، فارغ از هرگونه نتیجه‌ای، محکوم به شکست است.

واژه‌های کلیدی: انزوای ژئوپلیتیکی، تحریم، عراق، کردستان عراق، همه‌پرسی.

مقدمه

واگرایی فرایندی است که در آن، واحدهای سیاسی-فضایی از یکدیگر دور می‌شوند و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید. اگر این جدایی‌طلبی در داخل یک واحد سیاسی خاص باشد، به تجزیه آن کشور منجر می‌شود. همین امر ضرورت توجه به واگرایی را نشان می‌دهد. در دنیا نمونه‌های مختلفی از واگرایی روی داده است، اما در دنیای معاصر، به‌ویژه در هزاره سوم می‌توان به کاتالونیا در اسپانیا و اقلیم کردستان در شمال عراق اشاره کرد که همه‌پرسی هردو منطقه با شکست همراه بود و مهم اینکه هردو همه‌پرسی از همان ابتدا با مخالفت‌های منطقه‌ای مواجه شدند. همه‌پرسی کاتالونیا با مخالفت کشورهای اروپای غربی و همه‌پرسی کردها با مخالفت کشورهای هم‌جوار مواجه شد. با این حال، اهمیت همه‌پرسی کردها به مراتب بیشتر است؛ چرا که کردها بزرگ‌ترین قوم بدون کشور در خاورمیانه هستند که در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده‌اند و رسیدن به استقلال و ایجاد یک کشور مستقل کرد، آرزوی اکثریت قریب به اتفاق آنان است، اما در این میان، عزم کردها در کردستان عراق برای استقلال، بیشتر از دیگر کردهای منطقه بوده است.

کردستان عراق، نام منطقه‌ای فدرال و به‌لحاظ ژئوپلیتیکی محصور در خشکی در شمال کشور عراق است که شامل چهار استان اربیل، دهوک، سلیمانیه و حلبچه می‌شود. بالغ بر ۹۰ درصد ساکنان این منطقه را کردهایی تشکیل می‌دهند که اصالتاً ایرانی‌اند و از نژاد مادها هستند (یونسی، ۱۳۷۳: ۴۵). پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و بعدها اخراج عراق از کویت که در سال ۱۹۹۱ توسط آمریکا و متحدین غربی صورت گرفت، کردستان عراق توانست از منطقه پرواز ممنوعی که آمریکا و متحدانش در مدار ۳۶ درجه جغرافیایی ایجاد کرده بودند، استفاده لازم را ببرد و به حداقلی از خودمختاری دست یابد، اما با آغاز هزاره سوم و پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و نقش مثبتی که کردها در نابودی رژیم بعث و بعد تدوین قانون اساسی عراق داشتند، کردستان عراق به منطقه‌ای فدرال در چارچوب جغرافیای سیاسی عراق تبدیل شد. با گذشت چند سال از ایجاد نظام فدرالی در کردستان عراق و علی‌رغم تأثیر مثبت سیستم فدرالی بر شکوفایی اقتصادی آن، چالشی میان حکومت فدرال کردستان و حکومت فدرال عراق پیش آمد. این چالش بر سر بعضی از مسائلی بود که از سال ۲۰۱۳ شدت گرفته بود و دو طرف هیچ اراده‌ای برای حل آن نداشتند. همین چالش سبب شد تا رهبران کرد تصمیم به برگزاری همه‌پرسی بگیرند. هدف این پژوهش بررسی پیامدهای این همه‌پرسی برای کردها در سطح منطقه است.

کردستان عراق با کشورهای احاطه شده است که دارای اقلیت‌های قومی کرد هستند و برای حفظ تمامیت ارضی خود، روی خوشی به همه‌پرسی اقلیم کردستان نشان ندادند؛ چرا که هرگونه تحول سیاسی-فضایی در این منطقه، به دلیل تعلقات ژئوپلیتیکی، بر مناطق کردنشین این کشورها اثر می‌گذارد. درست به همین دلیل بود که کشورهای هم‌جوار اقلیم کردستان به‌ویژه ترکیه، از روزی که رهبران کرد به‌خصوص مسعود بارزانی تهدید به جدایی کردند و بحث همه‌پرسی را پیش کشیدند، موجی از مخالفت سیاسی و رسانه‌ای و تحرکات دیپلماتیک به راه انداختند. مسئله استقلال و جدایی‌طلبی کردها در اقلیم کردستان، به‌اندازه‌ای برای کشورهای هم‌جوار مهم بود که حتی اختلافات ایدئولوژیک و جبهه‌گیری آن‌ها را نیز تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ برای مثال، ترکیه تا چند سال پیش، از هلال شیعی و آثار بد آن در منطقه سخن به میان می‌آورد و در ضدیت با دولت مرکزی عراق با بستن قراردادهای نفتی و گازی، اقدام به صدور نفت و گاز اقلیم کردستان می‌کرد؛ یا در جریان جنگ داخلی سوریه همواره خواهان نابودی نظام حاکم بر سوریه و بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور بود، اما امروز به دلیل ترس از استقلال یا حداقل خودمختاری کردهای سوریه که مورد حمایت آمریکا و ناتو هستند، به یکباره تغییر راهبرد داده و از جبهه آمریکا، عربستان و اسرائیل، به جبهه ایران و روسیه پیوسته است. بدین ترتیب، هدف ترکیه این است که از یک سو به کمک ایران خطر استقلال کردهای عراق را خنثی کند و از سوی دیگر با نزدیک شدن به

روسیه، ضمن کنترل کردهای سوریه، زنگ خطر را برای ناتو و آمریکا به صدا درآورد. اهمیت ژئواستراتژیک ترکیه به دلیل داشتن تنگه‌های بسفر و داردانل و هم‌مرزبودن با روسیه به‌حدی است که کشورهای ناتو به هیچ وجه حاضر به چشم‌پوشی از آن نیستند.

سرانجام کردهای عراق علی‌رغم هشدار کشورهای هم‌جوار مبنی بر تحریم سیاسی و اقتصادی، همه‌پرسی را در موعد مقرر یعنی ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار کردند. با آنکه نتیجه این همه‌پرسی، رأی مثبت کردها به استقلال بود، بدون اینکه نتیجه مثبتی برای آن‌ها داشته باشد، پیامدهای منفی زیادی برایشان داشت که حداقل آن محاصره هوایی و زمینی کردستان عراق توسط کشورهای هم‌جوار بود. آشفتگی اقتصادی و سیاسی ناشی از برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان در آن مقطع، به‌حدی بود که گذشته از نارضایتی عمومی و شعار علیه بارزانی و طالبانی، موجب اختلاف احزاب سیاسی کرد از جمله گوران و جماعت اسلامی کردستان با دولت فدرال کردستان شده بود. این آشفتگی به‌حدی بود که احزاب اپوزیسیون کرد از جمله گوران، خواهان انحلال دولت ائتلافی کردستان به نخست‌وزیری نچیروان بارزانی و تشکیل دولت نجات ملی بودند. در چنین شرایطی، دولت اقلیم کردستان اقدام به فعالیت‌های دیپلماتیک کرد؛ زیرا بغداد حاضر به مذاکره با کردها نبود و بعضاً مذاکره با اربیل را مشروط کرده بود.

نواوری پژوهش حاضر این است که نشان می‌دهد اولاً هرگونه اقدام واگرایانه بدون درنظرگرفتن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی محکوم به شکست است. دوم اینکه کردها بهترین اهرم قدرت‌های جهانی برای فشار به کشورهای منطقه به‌ویژه ایران، عراق، ترکیه و... هستند. سوم اینکه قدرت‌های جهانی هرگاه منافع آن‌ها اقتضا کند از کردها استفاده می‌کنند و بعد از اینکه به هدف خود رسیدند، برای آن‌ها کمترین ارزشی قائل نمی‌شوند. نمونه آن مخالفت اروپا و آمریکا با همه‌پرسی کردستان و بعد، معامله آمریکا با ترکیه در کردستان سوریه است. این پژوهش، برخلاف پژوهش‌های دیگری که بیشتر از منظر سیاسی به همه‌پرسی در کردستان عراق پرداخته‌اند، این مسئله را از منظر جغرافیای سیاسی بررسی می‌کند.

چارچوب نظری

از نظر ریچارد هارتشون در جغرافیای سیاسی، موضوع محوری، مطالعه کشور است. هارتشون معتقد است که در هر کشوری دو نیروی مرکزگرای و مرکزگرا وجود دارد. پیدایش و بقای یک کشور نیازمند غلبه نیروهای مرکزگرا بر نیروهای مرکزگرای است؛ به طوری که هرگاه نیروهای مخرب یا مرکزگرای - از جمله موانع جغرافیایی، مناطق خالی از سکنه، ارتباط نزدیک بخش‌هایی از یک کشور با بعضی نواحی کشورهای همسایه - و تنوع زبانی، قومی و مذهبی بر نیروهای مرکزگرا غلبه کنند، موجودیت آن کشور به‌خطر می‌افتد. از نظر هارتشون، مهم‌ترین عامل پیدایش یک کشور یا حکومت، همان اندیشه حکومت است؛ بنابراین، برای تعیین علت وجودی یک کشور باید به مطالعه وضعیت فعلی آن پرداخت، نه به مطالعه عوامل گذشته که از بین رفته است (ویسی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

به نظر می‌رسد چنین حالتی در مورد عراق صدق می‌کند؛ چرا که این کشور حاصل نقش عوامل خارجی از جمله نقش بریتانیا و فرانسه براساس معاهده سایکس-پیکو است. اندیشه حکومت در سراسر عراق وجود ندارد و ترکیب چندپارچه این کشور اعم از کرد، عرب، شیعه و سنی، از ابتدای تولد این کشور در سال ۱۹۲۴ تا امروز، جز جنگ چیزی برای این واحد سیاسی نداشته و ادامه حیات آن را با مشکل جدی مواجه ساخته است؛ بنابراین، برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان، همان مرکزگرایی کردها بود که در قالب نظریه هارتشون قابل تحلیل است.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در این شکل از مطالعه، موضوع بازسازی جنبه‌های مربوط به یک پدیده که پیش‌تر اتفاق افتاده است، بررسی می‌شود. این شیوه بیشتر در تحقیقات تاریخی کاربرد دارد و اغلب در به‌کارگیری آن، به منابع دست‌اول و اصلی تکیه می‌شود. از آنجا که تحقیقات جغرافیای سیاسی به مطالعات تاریخی نیاز دارد، با توجه به موضوع انتخابی ممکن است پژوهشگر فقط از روش‌های توصیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده کند (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۳: ۲۱۳). با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش از آنجا که کردها مطالعه می‌شوند و بحث از مبارزات کردها خودبه‌خود به مسائل تاریخی ارتباط می‌یابد، شیوه توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. داده‌های پژوهش نیز از منابع مکتوب و اینترنت جمع‌آوری شده‌اند.

بحث و یافته‌ها

پیشینه مبارزاتی در کردستان عراق

کردها بزرگ‌ترین قوم بدون حکومت در جهان هستند که در چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق در منطقه خاورمیانه زندگی می‌کنند. ناسیونالیسم، زبان و احساس مشترک قومی سبب هم‌بستگی و احساس تعلق میان آن‌ها می‌شود. کردها تنها نژادی هستند که از نظر جغرافیای سیاسی جهانی در چهار منطقه جداگانه قرار گرفته‌اند. آن‌ها از میان کشورهای جهان عرب در سوریه و عراق، از میان کشورهای ناتو در ترکیه، از میان کشورهای جنوب غرب آسیا در ایران و از میان کشورهای منطقه قفقاز در کشورهای ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به سر می‌برند (عیسی، ۱۳۷۹: ۳۰). سابقه مبارزاتی این قوم برای رسیدن به استقلال، بیشتر از دیگر اقوام جهان است، اما تلاش آن‌ها برای رسیدن به استقلال تاکنون به نتیجه نرسیده است؛ مسئله‌ای که به موقعیت ژئوپلیتیکی کردستان برمی‌گردد؛ زیرا کردستان از همان ابتدا که از وحدت جغرافیایی برخوردار بود و به لحاظ زبانی و مذهبی نیز اختلاف داخلی نسبی داشت، دارای امکانات بالقوه امنیتی بود. به همین دلیل و برای آنکه نقشی در ناامنی منطقه داشته باشد، بین همسایگانش تقسیم شد؛ بنابراین، چنین سرزمینی مکمل راهبرد بری (خشکی) است و از آنجا که هدفش یکی‌شدن است، موجب بی‌ثباتی و ناامنی یکایک کشورهای می‌شود که به نوعی در آن سرزمین سهم دارند (عزتی، ۱۳۹۳: ۸۴).

در میان کردهای چهار بخش کردستان در خاورمیانه، تکاپو در کردستان عراق برای رسیدن به استقلال بیشتر از دیگر قسمت‌ها بوده است. کردستان عراق نام منطقه‌ای در شمال عراق است که از شرق به ایران، از غرب به سوریه، از شمال به ترکیه و از جنوب به عراق محدود می‌شود. این منطقه دارای ۶۰۶۴۳ کیلومترمربع مساحت (به‌علاوه مناطق مورد مناقشه ۷۸,۷۳۶ کیلومترمربع) و ۶,۷۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت است. اقلیم کردستان شامل چهار استان اربیل (هه ولیر)، سلیمانیه (سلیمانی)، دهوک و حلبچه می‌شود. مرکز اقلیم کردستان شهر اربیل است. در این منطقه علاوه بر کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ترکمن‌ها نیز زندگی می‌کنند (محمدی و خالدی، ۱۳۹۱: ۳۲). اقلیم کردستان، منطقه‌ای کوهستانی با آب‌وهوای معتدل، سرشار از آب شیرین، زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی و منابع عظیم نفت و گاز است. رودهای بزرگی از کردستان عراق سرچشمه می‌گیرند که از میان آن‌ها می‌توان به زاب بزرگ و زاب کوچک اشاره کرد. همچنین رود دجله که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد، با گذر از کردستان عراق به سمت جنوب عراق امتداد می‌یابد. اقتصاد این منطقه وابسته به نفت است و سهم عظیمی از بودجه عمرانی این منطقه از نفت تأمین می‌شود. منبع دیگر درآمد این منطقه گردشگری است. تا قبل از ظهور داعش در منطقه، اقلیم کردستان رتبه بالایی در زمینه جذب گردشگر در میان کشورهای عربی داشت. همچنین سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، بخش دیگری از اقتصاد این منطقه را شکل می‌دهد.



نقشه ۱. کردستان عراق - منبع: مشرق نیوز

منبع: نگارندگان

تاریخ مبارزه کردها با حکومت عراق، به درازای تاریخ شکل‌گیری این کشور ساختگی است، اما مهم‌ترین بخش مبارزاتی و تأثیرگذار کردها به دورانی برمی‌گردد که در اوایل دهه ۱۹۳۰، جنبش بارزان به رهبری شیخ احمد بارزان و برادر کوچک‌ترش ملامصطفی بارزانی به صورت پراگماتیک در کردستان عراق وارد عرصه مبارزات ملی‌گرایانه شد (بودرسالان، ۱۹۹۶: ۴۵). با مرگ شیخ احمد، ملامصطفی تنها رهبر کاریزمای جنبش کرد در کردستان عراق شد. او جنگاور حاذقی بود. در جریان تأسیس جمهوری مهاباد (۱۹۴۵-۱۹۴۶) به قاضی محمد کمک شایان توجهی کرد و در نبرد کوه پیرس و دشت نخله در کردستان عراق نیز موجب شگفتی ارتش عراق شد. او در سال ۱۹۶۲ در شورش موسوم به ایلول - که شورش به یادماندنی در تاریخ کردستان عراق است - با حمایت شاه ایران، اسرائیل و آمریکا با حکومت مرکزی عراق وارد جنگ شد (یونسی، ۱۳۷۳: ۹۲). مبارزات کردها با حکومت مرکزی عراق، در مقطعی از تاریخ امیدوارکننده بوده است؛ از جمله می‌توان به مشارکت کردها در حکومت چپ‌گرای عبدالکریم قاسم اشاره کرد یا به خودمختاری نسبی که در توافق‌نامه مارس ۱۹۷۰ میان ملامصطفی بارزانی، حسن البکر رئیس‌جمهور عراق و معاون وی صدام حسین امضا شد، اما این امیدها در نهایت به شکست ناامیدکننده انجامید (مرادی و افضل، ۱۳۹۲: ۲۸۷). با امضای قرارداد الجزیره میان شاه ایران و صدام حسین در سال ۱۹۷۵، کدورت میان ایران و عراق حل شد و کردها وجه‌المصالحه سیاست‌های شاه ایران، اسرائیل و آمریکا شدند. با شروع جنگ میان ایران و عراق، کردهای عراق از فرصت به‌وجودآمده نهایت استفاده را کردند و به همکاری با ایران علیه رژیم بعث پرداختند. حاصل چنین خیزشی برای کردها، بمباران شیمیایی حلبچه و ماجرای انفال (۱۹۸۷-۱۹۸۹) بود که برای کردها، تراژدی تلخ و دردناکی به‌شمار می‌آمد (کلنل، ۲۰۰۳: ۲۰).

۱. خودمختاری در کردستان عراق

رژیم بعث در اوت ۱۹۹۰، ضمن حمله به کویت، آن را ضمیمه خاک خود کرد. این اقدام بعثی‌ها با واکنش سازمان ملل مواجه شد و متحدین به رهبری آمریکا، با حمله به کویت صدام را از کویت بیرون راندند. غربی‌ها برای تنبیه صدام

حسین در خاک عراق، یک منطقه پرواز ممنوع (مدار ۳۶ درجه) در کردستان عراق ایجاد کردند. کردها با استفاده از این فرصت، در سال ۱۹۹۲ انتخابات پارلمانی برگزار کردند و یک حکومت محلی خودمختار برای خود تشکیل دادند (مرادی و افصلی، ۱۳۹۲: ۲۹۰).

۲. نظام فدرالی در کردستان عراق

در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، با نقش مثبتی که اپوزیسیون کرد در همراهی با آمریکا و نابودی رژیم بعث داشت، کردها نقش مهمی در تدوین قانون اساسی ایفا کردند؛ به گونه‌ای که عراق پس از سقوط صدام، از یک نظام حکومتی متمرکز سوسیالیستی به یک حکومت جمهوری فدرال و تکثرگرا تبدیل شد که در برخی از موارد از جمله به اقلیم کردستان، اختیارات بسیاری حتی فراتر از ایالات در حکومت‌های فدرال جهان داده شد (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). تثبیت پست ریاست‌جمهوری برای کردها، نظام فدرالی برای کردستان و ماده ۱۴۰ قانون اساسی در مورد حل و فصل مناطق مورد مناقشه از جمله کرکوک برای کردها در عراق جدید دستاورد خوبی بود. سرانجام تلاش فراوان کردها پس از چند دهه مبارزه نتیجه داد و کردستان عراق به عنوان منطقه‌ای فدرال، روی نقشه جغرافیای سیاسی عراق نمایان شد. نظام حکومتی در منطقه فدرال کردستان تا پیش از سقوط رژیم بعث، دو اداره‌ای بود. استان‌های اربیل و دهوک تحت مدیریت مسعود بارزانی و حزب دموکرات کردستان (پارتی) بود و استان سلیمانیه و نواحی تابع آن، تحت سلطه جلال طالبانی و اتحادیه میهنی کردستان (یکیتی) قرار داشت؛ تا اینکه با سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ و تصویب نظام فدرالی در کردستان عراق، اداره منطقه یکپارچه شد و شهر اربیل به عنوان مرکز این منطقه انتخاب شد. رهبر اقلیم کردستان از سال ۲۰۰۵ تا اکتبر ۲۰۱۷ در اختیار مسعود بارزانی بود.

بارزانی در سال ۲۰۱۷ میلادی از ریاست اقلیم کردستان کنار رفت. اقلیم کردستان فعلا رئیس ندارد و اختیارات آن تا تعیین رئیس جدید که توسط پارلمان کردستان انتخاب می‌شود، میان قوای مجریه، مقننه و قضائیه تقسیم شده است. شیوه و چگونگی خودگردانی کردستان عراق در چارچوب «حکومت منطقه‌ای کردستان» با الگوهای کلاسیک خودمختاری و فدرالیسم تفاوت‌هایی دارد: بدون مرکزیت سیاسی، دولت محلی، پارلمان محلی، قوه قضائیه محلی و بودجه محلی که خاص همه حکومت‌های فدرال در جهان است. شیوه خودگردانی حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر برقراری روابط خارجی با سایر کشورهای جهان، داشتن نیروهای موسوم به «پیش‌مرگ‌ها» که در حکم ارتش هستند و قدرت پارلمان کردستان در زمینه وتو قوانین پارلمان و حکومت فدرال عراق، با سایر حکومت‌های غیرمتمرکز تفاوت‌هایی دارد که می‌توان برای آن وجود مستقلی در چارچوب الگوهای مدیریت سیاسی فضا قائل بود؛ زیرا اختیاراتی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه کردستان داده شده است، سبب شده که مدل کردستان عراق در مرحله بالاتری از خودمختاری و فدرالیسم قرار گیرد. بر همین اساس می‌توان نام این الگوی حکومتی را فراایالتی نامید (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷).

۳. شکوفایی اقتصادی در کردستان عراق

تنوع حزبی، تکثر مطبوعاتی، آزادی بیان و برگزاری سه دوره انتخابات موفق در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳، کردستان عراق را به لحاظ سیاسی به مدل جدید دموکراسی خاورمیانه معاصر تبدیل کرد؛ چرا که در این منطقه، علاوه بر کردها، دیگر اقلیت‌ها از جمله عرب‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ترکمن‌ها نیز در کمال آزادی هستند و از ۱۱۱ کرسی پارلمان کردستان، ۷ کرسی آن به اقلیت‌ها تعلق دارد. به لحاظ اقتصادی نیز کردستان عراق تا قبل از ظهور داعش وضعیت خوبی داشت. ضریب امنیتی در این منطقه بسیار بالاتر از بقیه خاک عراق بود. همین مسئله کردستان را به

کانون فعالیت‌های اقتصادی تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که مدتی رونق اقتصادی در این منطقه به‌حدی بود که از آن با عنوان دبی دوم یاد می‌کردند. رشد اقتصادی اقلیم کردستان در دهه نخست پس از سقوط رژیم بعثی، یکی از مهم‌ترین عواملی بود که کردها را متقاعد کرد که می‌توانند استقلال داشته باشند. اهمیت این مسئله صرفاً در استقلال مالی فزاینده کردستان نبود، بلکه در فاصله عظیمی بود که میان کردستان شکوفا و آباد و عراق جنگ‌زده و ویران و راکد ایجاد شده بود. این مسئله نوعی اعتمادبه‌نفس در میان کردها ایجاد کرد و آن‌ها به انگاره کارآمدی الگوی حکمرانی کردی و نبوغ مدیران کرد قائل شدند. گرچه اوج شکوفایی اقتصادی کردستان در ده سال طلایی از سقوط صدام تا ظهور داعش بود، سبقت‌گرفتن نسبی آن از عراق، از اواسط دهه نود آغاز شد. خسارات تحریم‌هایی که از اوت ۱۹۹۰ تا آوریل ۲۰۰۳ دامن عراق را گرفت، به‌تنهایی چند برابر عوارض مخرب جنگ با ایران و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس بود. تحریم‌های بی‌سابقه در واقع جنگ پنهانی بود که با محروم کردن دولت عراق از هرگونه درآمد اضافی، مانع اجرای برنامه‌های توسعه، بازسازی و حتی تعمیر و نگهداری زیرساخت‌های صنعتی می‌شد و حاصل آن بازگشت عراق به عصر ماقبل‌صنعتی بود. خسارات و تلفات تحریم‌ها به‌حدی بود که در اواسط دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت به فکر فروش محدود نفت عراق و پرداخت آن به‌صورت کالا‌های ضروری به این کشور افتاد. در سال ۱۹۹۶، سازمان ملل مقرر کرد که عراق هر یک ماه و نیم، ۱/۵ میلیارد دلار نفت بفروشد. از این میزان ۳۴ درصد به صندوق خسارات کویت و هزینه فعالیت‌های بازرسان سازمان ملل می‌رسید. از ۶۶ درصد باقی‌مانده، ۱۳ درصد سهم ۳ استان کردنشین بود و ۵۳ درصد باقیمانده هم به بقیه عراق اختصاص می‌یافت. علاوه‌براین، طرح نفت در برابر غذا، برای کردها تغییراتی کرد؛ به‌طوری‌که دریافتی بغداد از این مبلغ کاملاً به‌صورت کالا بود و حق گرفتن دلار نداشت، اما کردها غیر از دریافت کالا، ماهیانه بیست میلیون دلار را هم به‌صورت نقدی دریافت می‌کردند. بدین ترتیب، توانستند اقتصاد محلی‌شان را تقویت سازند و برخی طرح‌های مستقل را اجرا کنند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۶).

در این منطقه، علاوه بر شرکت‌های ایرانی، عربی و ترکی، شرکت‌های چینی و کره‌ای نیز فعالیت می‌کنند. شایان ذکر است که بخش زیادی از رونق اقلیم کردستان مربوط به صدور نفت خام بود و در این راه، علاوه بر کمک و سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی بین‌المللی مانند توتال، شورون و اکسون موبیل، از کمک کشورهای منطقه مانند ترکیه نیز برخوردار شده بود. ترکیه بدون توجه به حکومت مرکزی عراق، قراردادی نفتی با اقلیم کردستان امضا کرده بود و در این راه، علاوه بر اینکه انرژی مورد نیاز خود را در کمترین زمان و با ارزان‌ترین قیمت به‌دست می‌آورد، حق ترانزیت صادرات انرژی منطقه کردستان عراق به بازارهای جهانی را نیز مطالبه می‌کرد. مقدار نفتی که کردها تا پیش از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ از طریق بندر جی‌هان ترکیه راهی بازارهای جهانی می‌کردند، حدود ۲۵۰,۰۰۰ بشکه بود. اقلیم کردستان طی یک دوره نسبتاً طولانی با اوج‌گیری بهای نفت تا مرز بشکه‌ای ۱۱۰ دلار، مانند دیگر کشورهای نفت‌خیز منطقه صاحب درآمد هنگفتی شد، اما به‌جای بهره‌برداری مناسب از آن، به ریخت‌وپاش پرداخت. از پیامدهای نفتی‌شدن کردستان، پیدایش فساد در این سرزمین است که حتی به واکنش افکار عمومی و بعضاً تظاهرات خشونت‌آمیز علیه رهبران اقلیم انجامید. در عوض، رهبران کردستان عراق برای ایجاد یک اقتصاد واقعی در این سرزمین تلاشی نکردند. با ظهور داعش و تسلط کردها بر مناطق مورد مناقشه از جمله کرکوک، میزان صادرات نفت کردها به ۶۵۰,۰۰۰ بشکه در روز رسید. صادرات نفت کردها عمدتاً به بندر جی‌هان ترکیه و اسرائیل می‌رفت و سپس از طریق قبرس راهی ایتالیا و دیگر بازارهای جهانی می‌شد. هم‌اکنون نیز ضریب امنیت در کردستان عراق به‌مراتب بیش از سایر نقاط عراق است، اما به‌لحاظ اقتصادی، علی‌رغم صدور بالغ بر ۲۵۰,۰۰۰ بشکه نفت در روز به بازارهای جهانی از طریق بندر جی‌هان ترکیه و فعالیت تجاری با کشورهای هم‌جوار، وضع مناسبی ندارد و شهروندان اقلیم کردستان به‌شدت از اوضاع اقتصادی خود ناراضی‌اند.

۴. چالش ژئوپلیتیکی با حکومت مرکزی عراق

از سال ۲۰۱۴ با سقوط بهای نفت، اقتصاد اقلیم کردستان با بحران مواجه شد. خودداری بغداد از تأمین بودجه اقلیم، جنگ با داعش و ورود انبوه پناهندگان به کردستان عراق، به این بحران دامن زد. در این شرایط، کسری بودجه زیاد شد، رشد اقتصادی کاهش یافت و جمعیت زیر خط فقر افزایش پیدا کرد. حقوق کارمندان اقلیم با تأخیر پرداخت شد. خزانه دولت فدرال خالی شد و بدهی‌های خارجی افزایش یافتند؛ بنابراین، رهبران اقلیم برای برون‌رفت از چنین وضعیتی، اقدام به پیش‌فروش نفت کردند؛ به‌گونه‌ای که گزارش‌ها بیانگر آن است که منابع نفت اقلیم کردستان تا سال ۲۰۲۲ پیش‌فروش شده است (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۶/۰۹/۰۴). در چنین شرایطی، رهبران اقلیم کردستان به‌خصوص مسعود بارزانی، با استناد به قانون اساسی کشور، از بغداد تقاضای سهم ۱۷ درصدی از بودجه عراق می‌کردند، اما هربار با واکنش منفی مقامات بغداد مواجه می‌شدند. این مخالفت دولت فدرال عراق با تقاضای کردها، در واکنش به اقدام اقلیم کردستان در صدور و فروش نفت شمال عراق به کشورهای خارجی بود؛ زیرا دولت فدرال کردستان پس از ظهور داعش و تصرف مناطق مورد مناقشه از جمله کرکوک، از طریق بندر جیهان ترکیه، اقدام به صدور بالغ بر ۶۰۰,۰۰۰ بشکه نفت در روز به خارج از عراق کرده بود.



نقشه ۲. کرکوک - منبع: ویکی‌پدیا

منبع: نگارندگان

درآمد حاصل از فروش نفت نیز در بانک‌های ترکیه به حساب مقامات اقلیم کردستان ریخته می‌شد. رقم این پول‌ها به قدری مهیم بود که حتی بیشتر مقامات اقلیم کردستان، به‌ویژه احزاب ائتلافی در دولت اقلیم کردستان مانند حزب گوران، سوسیال‌دموکرات، جماعت اسلامی و... از میزان درآمد حاصل از فروش نفت اطلاعی نداشتند. در چنان شرایطی که روابط اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق روزبه‌روز بدتر می‌شد و داعش نیز روزهای پایانی عمر خود را در عراق سپری می‌کرد، رهبران اقلیم کردستان از جمله مسعود بارزانی نگران دوران پس‌داعش بودند؛ زیرا بر این باور بودند که با از بین رفتن داعش، روابط اربیل-بغداد دستخوش تحول می‌شود و جز خسارت چیزی عاید کردها نخواهد شد. عمده خسارتی که از دیدگاه رهبران کرد متوجه کردها می‌شد، یکی از دست‌دادن کنترل بر مناطق مورد مناقشه از جمله کرکوک و دیگری کنترل بر چاه‌های نفت بود؛ زیرا از زمان ظهور داعش، کردها در این منطقه نفت صادر می‌کردند و می‌فروختند. مناطق مورد مناقشه به‌خصوص کرکوک، سنگ‌بنای استقلال اقتصادی کردستان بودند و بدون آن‌ها، کردها چیزی برای عرضه در نظام بین‌الملل نداشتند.

در چنین شرایطی، مسعود بارزانی با دعوت از احزاب کردستانی، آن‌ها را برای برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان دعوت به همکاری کرد، اما فقط حزب دموکرات و اتحادیه میهنی به او پاسخ مثبت دادند. دیگر احزاب کردستانی از جمله

گوران (اصلاح‌طلب) و کومل اسلامی (جماعت اسلامی) تمایل چندانی به برگزاری همه‌پرسی از خود نشان ندادند و معتقد بودند اول باید مسعود بارزانی از قدرت کنار برود؛ زیرا ریاست او بر اقلیم کردستان غیرقانونی است و اصرار او به برگزاری همه‌پرسی، نه به‌خاطر دفاع از حق مردم کردستان، بلکه به‌منظور دورزدن قانون و تثبیت جایگاه سیاسی خود در ریاست بر اقلیم کردستان است. دوم اینکه طرح برگزاری همه‌پرسی باید به تصویب مجلس نمایندگان اقلیم کردستان برسد؛ مجلسی که به‌دلیل اصطکاک میان بارزانی و حزب متبوع وی با حزب گوران بر سر تمدید ریاست بارزانی بر اقلیم کردستان، عملاً وجود نداشت و از سال ۲۰۱۵ تعطیل شده بود. در چنین شرایطی، بارزانی روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ را به‌عنوان روز تعیین سرنوشت در اقلیم کردستان تعیین کرد.

هنگامی که بارزانی تمایلی را به برگزاری همه‌پرسی نشان داد، آن دسته از اعضای اتحادیه میهنی که در مسئله همه‌پرسی با او مذاکره کرده بودند، از وی خواستند با توجه به واکنش‌های منفی جهانی و منطقه‌ای، از برگزاری همه‌پرسی دست بکشند، اما بارزانی در جواب آن‌ها گفته بود حتی اگر اعضای اتحادیه میهنی با وی همراهی نکنند، او همه‌پرسی را به‌تنهایی در اربیل و دهوک (مناطق تحت نفوذ خود) برگزار خواهد کرد. از طرفی، واکنش‌های منطقه‌ای علیه بارزانی آغاز شده بود. اردوغان از بارزانی خواست همه‌پرسی را برگزار نکند و وزیر امور خارجه و رئیس سازمان اطلاعات ترکیه (میت) را به اربیل فرستاد تا بارزانی را از این تصمیم منصرف کند. اردوغان ضمن شمتات بارزانی، بر تعهد ترکیه به حفظ یکپارچگی ارضی عراق تأکید کرد و از علاقه کشورش به همکاری با عراق و حفظ ثبات و امنیت منطقه سخن گفت. این اقدامات از آن جهت حائز اهمیت است که دو رهبر عراق و ترکیه، پیش از این بر سر همکاری ترکیه با اقلیم کردستان، بدون توجه به بغداد و دیگر مسائل، به‌شدت اختلاف نظر داشتند؛ برای مثال، اردوغان در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۶ در جریان اختلاف علنی با حیدر العبادی بر سر حضور نیروهای ترکیه در بعشيقه عراق، خطاب به او گفت: «شما در حد و قواره من نیستید، دادزدن از نظر ما اهمیتی ندارد. امروز ما هرچه بخواهیم انجام می‌دهیم.» اختلاف آن‌ها در سطحی بزرگ‌تر، نمایانگر تنش‌های مذهبی در منطقه بود. ترکیه خود را مدافع سنی‌ها در قلمرو سابق امپراطوری عثمانی از جمله در سوریه و عراق قلمداد می‌کرد؛ در حالی که از بعد از فروپاشی رژیم بعث که سنی‌ها حاکم بر عراق بودند، شیعیان حکومت بغداد را به دست گرفتند.

برت مک‌گورک نماینده ترامپ در ائتلاف ضدعاش و داگلاس سیلیمون سفیر آمریکا در بغداد، پیش از آن موضع آمریکا را در قبال همه‌پرسی به اطلاع مسعود بارزانی رسانده بودند. آن‌ها راهی برای برون‌رفت از بحران به بارزانی پیشنهاد کرده بودند که در صورت موافقت وی با تعویق برگزاری همه‌پرسی، به اطلاع وی می‌رسید. با این حال، آنکارا از حسن‌نیت واشنگتن اطمینان نداشت. در واقع، همه‌پرسی به زنده کردن تئوری توطئه آمریکا در مورد ترکیه (در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس) کمک کرد؛ به‌گونه‌ای که آمریکا در آن سال‌ها برنامه‌ای درازمدت برای ایجاد کشور کرد مستقل و گسترش آن به استان‌های جنوبی ترکیه در دست داشت. اردوغان گفت که کاملاً آگاه است که بازی‌ای که در حال حاضر در شمال سوریه (روژآوا) در حال انجام است، در جهت جداکردن ترکیه از خاورمیانه است و برنامه همه‌پرسی در اقلیم کردستان، بخشی از این پروژه به‌شمار می‌رود. در همین ارتباط باید گفت که رابرت اولسون، تحلیلگر مسائل کردها، معتقد است که تشکیل‌شدن یا نشدن یک دولت مستقل کردی، منوط به اراده قدرت‌های بزرگ است؛ زیرا در سه مرحله تاریخی بعد از جنگ اول جهانی (معاهده سور ۱۹۲۰)، بعد از جنگ دوم جهانی (جمهوری مهاباد ۱۹۴۶) و بعد از جنگ دوم خلیج فارس و حمله متحدین به عراق، این امکان فراهم شد، اما از آنجا که منافع قدرت‌های منطقه‌ای در هماهنگی با قدرت‌های بزرگ، ایجاد چنین دولتی را به‌صلاح نمی‌دید، از ایجاد آن جلوگیری شد (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۶۵-۳۶۶). علی‌رغم تهدید اقلیم کردستان از سوی ترکیه، جمهوری اسلامی و بعضاً هشدارهای جهانی، اسرائیل از برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان و استقلال این منطقه حمایت کرد. در همین راستا، برنارد لوی، فیلسوف یهودی فرانسوی که بنا به نظر

کارشناسان سیاسی ردپای او در بسیاری از تحولات خاورمیانه از جمله بهار عربی مشهود بود، یک روز پیش از همه‌پرسی، به‌همراه کوشنر وزیر امور خارجه سابق فرانسه، سفیر آمریکا و دیگر مقامات آمریکایی در اقلیم کردستان، مهمان هوشیار زیباری (دایی مسعود بارزانی و وزیر امور خارجه سابق عراق) بودند (دیپلماسی ایرانی، مهرماه ۱۳۹۶).

هم‌زمان با شروع تبلیغات همه‌پرسی در اقلیم کردستان، تحرکات دیپلماتیک کشورهای هم‌جوار اقلیم کردستان نیز برای مقابله با نتایج آن آغاز شد. استقلال کردها در شمال عراق ممکن بود ترکیه، سوریه و ایران را با مشکل مواجه سازد، موجب طرح خواسته‌های مشابه در کشورهای مذکور شود و تمامیت ارضی آن‌ها را به‌خطر اندازد (روینز، ۱۹۹۳: ۶۵۷). دولتمردان ترکیه، عراق و ایران، قبل از همه‌پرسی، طرحی را برای تحریم شدید مالی و اقتصادی اقلیم کردستان تدوین کرده بودند؛ طرحی که مقامات آمریکایی نیز در جریان تدوین آن قرار داشتند. این طرح دو هدف را دنبال می‌کرد. اولین هدف این طرح، پیش از هرچیز فروپاشی مالی و اقتصادی اقلیم کردستان بود؛ به‌طوری‌که فعالیت‌های اقتصادی و مالی در بازارهای اقلیم کردستان متوقف شود. چیزی که به انتخاب چنین طرحی کمک کرد، فراهم‌بودن بسترهای لازم برای فروپاشی اقتصاد در اقلیم کردستان بود. فراهم‌بودن چنین زمینه‌ای، به‌دلیل قطع بودجه اقلیم کردستان از سوی بغداد بود. پیش‌تر دولت فدرال عراق به اربیل هشدار داده بود، چنانچه بدون اجازه بغداد اقدام به فروش نفت کند، بودجه اقلیم کردستان قطع خواهد شد. قطع این بودجه سبب خواهد شد اربیل دچار ضعف مالی شود و اقتصاد اقلیم کردستان در شرایط شبه‌فروپاشی قرار گیرد. همچنین این موضوع سبب می‌شود تا واکنش‌های شدید سیاسی علیه بارزانی در خیابان‌های این اقلیم به‌راه بیفتد.

با اجرای مجازات‌های اقتصادی و مالی، به مسئولان اقلیم کردستان فرصت داده می‌شود تا درباره تصمیم خود فکر کنند. در اینجا باید به این نکته اشاره شود که اگر چراغ سبز آمریکا برای شروع مجازات‌های سخت اقتصادی و مالی برای اقلیم کردستان نبود، دیدار سرلشکر «عثمان الغانمی» رئیس ستاد مشترک ارتش عراق با همتای ترک خود در آنکارا امکان‌پذیر نبود. دومین هدف این طرح، اقدام نظامی علیه اقلیم کردستان بود که واشنگتن نیز اعلام کرده بود در آن مشارکت می‌کند. واشنگتن متعهد شده بود هم‌زمان با اجرایی‌شدن این طرح، کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود به پیش‌مرگ‌های کرد را از ۲۵ سپتامبر به بعد متوقف سازد. این مسئله سبب افزایش فشار نظامی در کنار فشارهای اقتصادی، مالی و بارزگانی علیه اربیل می‌شد (تابناک، ۱۳۹۶/۰۷/۰۲). آنکارا هم‌زمان با جدی‌شدن عزم کردها برای استقلال و تعیین ۲۵ سپتامبر به‌عنوان روز همه‌پرسی، با دعوت از سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران برای سفر به ترکیه، تهدید کردها را برای رسیدن به استقلال جدی گرفت. این سفر که نخستین سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران به ترکیه پس از سال ۱۹۷۹ بود و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های منطقه به‌ویژه ترکیه داشت، بیانگر نگرانی ترک‌ها برای تحولات منطقه به‌خصوص استقلال کردستان و آثار مفراط ژئوپلیتیکی آن روی این کشور بود. هم‌زمان با رایزنی دولتمردان کشورهای هم‌جوار، بارزانی در کارناوال تبلیغات یک‌ماهه قبل از همه‌پرسی، در سفرهای تبلیغاتی که به مناطق مختلف اقلیم کردستان انجام می‌داد، مردم را ترغیب به حضور در پای صندوق‌های رأی می‌کرد. پس از نزدیک به یک ماه تبلیغ همه‌پرسی و در حالی که مدام کشورهای همسایه اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق، خواهان برگزارشدن همه‌پرسی در تاریخ تعیین‌شده بودند، بارزانی برای اینکه به روند همه‌پرسی در اقلیم کردستان رنگ قانونی ببخشد، پس از رایزنی با حزب هم‌پیمان خود، اتحادیه میهنی کردستان، یک ماه مانده به انتخابات، پارلمان کردستان را بازگشایی کرد. پارلمان کردستان نیز با حضور ۹۰ نفر از مجموع ۱۱۱ عضو پارلمان تشکیل جلسه داد و با رأی بالغ بر ۶۰ نفر از نمایندگان پارلمان، با برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان موافقت کرد. کردهای عراق که استقلال، آرزوی دیرینه آن‌ها بود و از سال ۱۹۱۹، یعنی از زمان حضور بریتانیا در عراق، به رهبری ملک محمود برای استقلال کردستان جنگیده بودند، بی‌صبرانه منتظر حضور در پای صندوق‌های رأی و دادن رأی به استقلال کردستان

بودند. سرانجام ۲۵ سپتامبر فرارسید و کردها با حضور در پای صندوق‌ها، رأی خود را برای ماندن در عراق یا جدایی از عراق فدرال به صندوق انداختند و همان‌طور که پیش‌بینی شده بود، بیشتر آن‌ها به استقلال کردستان آری گفتند. پس از شمارش آرای کردهای خارج و مقیم اقلیم کردستان که توسط کمیسیون عالی انتخابات کردستان صورت گرفت، حدود ۹۳ درصد از مردم اقلیم کردستان به همه‌پرسی آری گفتند. رأی مثبتی که کردها به همه‌پرسی اقلیم کردستان دادند، برخلاف تصورشان به ضرر آن‌ها تمام شد و در سطح منطقه پیامدهایی برای آن‌ها داشت.

پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق

۱. انزوای ژئوپلیتیکی تحمیلی

کشورهای هم‌جوار اقلیم کردستان که حکم دروازه ورود این منطقه فدرال به نقاط مختلف جهان و بازارهای جهانی را داشتند، فردای برگزاری همه‌پرسی، به‌صورت هماهنگ‌شده که حاصل نشست‌های قبلی و دیپلماسی فعال منطقه‌ای آن‌ها بود، ضمن همراهی با دولت مرکزی عراق، اقلیم کردستان را به‌لحاظ ژئوپلیتیکی منزوی ساختند. جمهوری اسلامی ایران، از یک سو به‌دلیل تأثیر استقلال این منطقه بر کردهای ایران و از سوی دیگر تبدیل این منطقه به مکانی برای فعالیت دشمنان انقلاب اسلامی از جمله اسرائیل، عربستان و بعضاً گروهک‌های تجزیه‌طلب مورد حمایت غرب از جمله سازمان مجاهدین خلق و احزاب معارض کرد، به‌شدت با استقلال آن مخالفت کرد. مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از جمله سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، برگزاری همه‌پرسی را توطئه‌ای صهیونیستی دانستند و خواستار حفظ تمامیت ارضی عراق بودند. به همین سبب، به درخواست آن‌ها، دولت مرکزی عراق در روز ۲۴ سپتامبر مرز هوایی خود را با کردستان بست و در روز ۱۶ اکتبر، هم‌زمان با حمله ارتش عراق به کرکوک، تمامی مرزهای زمینی خود را با اقلیم کردستان مسدود کرد.

میزان نگرانی ترکیه از تجزیه عراق و آثار ژئوپلیتیکی آن روی این کشور، از ایران هم بیشتر بود. اگر کردهای شمال عراق، دولتی مستقل برای خود تشکیل دهند، ترکیه درمورد جمعیت کرد خود با بحران جدی و شورش در شرق و جنوب‌شرق کشور مواجه خواهد شد (استانز فیلد، ۲۰۰۵: ۲۰). دولت ترکیه علی‌رغم اینکه از یک سو به‌عنوان پایانه صدور انرژی اقلیم کردستان و از سوی دیگر حضور فعال شرکت‌های ترک در اقلیم کردستان، طی سال‌های پس از سقوط صدام، سود سرشاری به‌دست آورده بود، از ترس اینکه مبدا استقلال کردستان به سنگری برای جدایی‌طلبان کرد (پ.پ.ک) علیه این کشور تبدیل شود، به‌شدت مخالف استقلال کردستان بود. به همین دلیل و با توجه به رابطه‌ای که با اقلیم کردستان داشت، به‌شدت تحولات کردستان عراق را رصد می‌کرد؛ زیرا دولت ترکیه نگران بود استقلال کردستان عراق و رسیدن کردهای سوریه (روژئاوا) به سیستم فدرالی - شبیه آنچه در شمال عراق وجود دارد - و پیوند میان این دو بخش، تبعات دیگری به‌همراه داشته باشد؛ به‌طوری‌که با بی‌نیاز شدن کردستان عراق از ترکیه، کردستان سوریه (روژئاوا) دروازه ارتباطی کردستان عراق به جهان خارج باشد؛ بنابراین، استقلال کردستان عراق که وابستگی نژادی به کردهای ترکیه دارد و از آن به تعلق ژئوپلیتیکی تعبیر می‌شود، همواره از تهدیدهای ژئوپلیتیکی آنکارا به‌حساب آمده است (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰). ترکیه ابتدا در روز ۲۴ سپتامبر به درخواست دولت مرکزی عراق، مرزهای هوایی خود را به روی اقلیم کردستان بست.

در روز ۲۶ سپتامبر آنکارا به‌عنوان اولین واکنش پس از برگزاری همه‌پرسی، عمر میرانی نماینده حزب دموکرات کردستان عراق را از آنکارا اخراج کرد. مجوز فعالیت سه شبکه رسانه‌ای کردی در ترکیه لغو شد. سه شرکت هوایی ترکی در تاریخ ۲۷ سپتامبر، برنامه‌های پروازی خود به فرودگاه‌های اربیل و سلیمانیه را متوقف کردند و حریم هوایی ترکیه در تاریخ ۱۶ اکتبر، به‌طور کامل به روی پروازهای اقلیم کردستان مسدود شد. در ادامه، دولت ترکیه ضمن هشدار به

شهروندان این کشور در کردستان عراق، از آن‌ها خواست هرچه زودتر اقلیم کردستان را ترک کنند. اقدام کشورهای هم‌جوار، اقلیم کردستان را به دلیل محصوربودن در خشکی، در تنگنای ژئوپلیتیکی قرار داد و ارتباط آن را با جهان خارج قطع کرد (زارعی، ۱۳۹۵: ۱۸۶) و بدین ترتیب، کردستان عراق دچار انزوای ژئوپلیتیکی شد؛ انزوایی که در علم ژئوپلیتیک، به «انزوای ژئوپلیتیکی تحمیلی» تعبیر می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

۲. تحریم تجاری توسط کشورهای هم‌جوار

یکی از پیچیده‌ترین مسائل در روابط بین‌الملل به لحاظ جغرافیای سیاسی، نحوه دسترسی کشورهای محصور در خشکی به دریا و منابع آن است و تنها راه دسترسی این کشورها به دریا از طریق کشورهای هم‌جوار است (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱)؛ بنابراین، کشورهای محصور در خشکی باید به گونه‌ای عمل کنند که رضایت کشورهای هم‌جوار را داشته باشند، اما کردستان عراق نه یک کشور، بلکه یک منطقه فدرال در چارچوب جغرافیای سیاسی عراق است. این منطقه به دلیل محصوربودن در خشکی و نداشتن دسترسی به دریا، به شدت وابسته به ترکیه و ایران است. ترکیه مسیر انتقال انرژی کردستان به خارج و منبع تأمین کالاهای مورد نیاز این منطقه از جمله مواد غذایی است و ایران نیز گذشته از اینکه قرار است به مسیری برای فروش نفت این منطقه تبدیل شود، منبع اصلی تأمین کالاهای اساسی کردستان عراق از جمله مواد غذایی است؛ بنابراین، برگزاری همه‌پرسی که برخلاف منافع ملی ترکیه و ایران بود، با مخالفت آن‌ها و به ضرر کردها تمام شد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در روز ۲۵ سپتامبر نیز ضمن هشدار به مقامات اقلیم و انتقاد شدید از برگزاری همه‌پرسی استقلال تأکید کرد که به محض اینکه آنکارا جلوی صادرات نفت کردستان عراق به خارج و ورود کامیون‌های غذا و لباس به کردستان را بگیرد، کار تمام می‌شود. روزی که کردها همه‌پرسی را برگزار کردند، دولت ترکیه، هم از صادرات نفت کردستان عراق به مقصد بندر جیهان این کشور جلوگیری کرد و هم از میزان صادرات مواد غذایی به کردستان عراق کاست. این اقدام دولت ترکیه نه تنها مایه حیرت سیاسیون کردستان از جمله شخص بارزانی به عنوان مجری همه‌پرسی شد، بلکه مردم کردستان عراق را نیز نگران کرد؛ زیرا بخش مهمی از مواد غذایی کردستان از طریق ترکیه وارد این کشور می‌شد. جمهوری اسلامی ایران، دیگر همسایه اقلیم کردستان نیز که قبل از همه‌پرسی به کردها هشدار داده بود، با برگزاری همه‌پرسی میزان صادرات خود به این منطقه را - که بخش عظیمی از آن مواد خوراکی بود - کاهش داد.

اوج برخورد ایران با همه‌پرسی، هم‌زمان با حمله ارتش عراق به کرکوک و افزایش تنش‌ها در این شهر بود. ایران مرزهای زمینی خود را با اقلیم کردستان به طور کامل بست؛ به گونه‌ای که پایانه‌های مرزی باشماق در مریوان (کردستان)، ترمچین در پیرانشهر (آذربایجان غربی) و پرویزخان در قصرشیرین (کرمانشاه) تا ۱۵ دی ماه ۱۳۹۶ مسدود شدند و از نیمه دی ماه، فعالیت خود را با اقلیم کردستان از سر گرفتند. مسئله‌ای که ریشه آن در حل و فصل اختلافات داخلی میان اربیل و بغداد و چگونگی اداره گذرگاه‌های مرزی توسط بغداد و اربیل بود. به طور کلی، مبادلات تجاری با دنیای خارج، پاشنه آشیل کردها بود و اگر همه‌پرسی به حالت تعلیق در نمی‌آمد، تحریم تجاری، این منطقه را از پای درمی‌آورد؛ برای مثال، حجم مبادلات تجاری میان اربیل و آنکارا در شش ماهه نخست ۲۰۱۷ به ۵ میلیارد دلار رسیده بود و قرار بود تا آخر سال به ۱۰ میلیارد دلار برسد، اما یزان مبادلات ترکیه و اقلیم کردستان نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار است (کردپرس، ۱۳۹۷). از سوی دیگر میزان مبادلات تجاری این منطقه با ایران نیز تا پایان سال ۲۰۱۷ حدود ۵/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود. با ترمیم روابط میان ایران و اقلیم کردستان میزان مبادلات تجاری دو طرف ۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود (روزنامه هاولاتی، ۲۰۱۸). از این مقدار، از صادراتی که ترکیه و ایران به عراق دارند، تنها ۲۵ درصد آن در اقلیم کردستان می‌ماند و مابقی آن راهی دیگر مناطق عراق می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت موقعیت ژئواکونومیکی کردستان عراق به دلیل امنیت در سرمایه‌گذاری و نیز منابع سرشار انرژی به اندازه‌ای مهم است که ایران و به خصوص ترکیه به هیچ وجه حاضر به از دست دادن آن نیستند.

۳. حمایت اسرائیل از مرکز‌گریزی کردها و حساسیت کشورهای هم‌جوار به آن

بدترین پیامد همه‌پرسی برای کردها، حمایت اسرائیل از مرکز‌گریزی آن‌ها بود. این پشتیبانی اگرچه مایه دلگرمی کردها بود، موجب حساسیت کشورهای هم‌جوار شد و نه تنها مخالفت آن‌ها را با استقلال کردستان افزایش داد، بلکه زمینه‌ساز اتحاد آن‌ها علیه استقلال‌طلبی کردها شد. اسرائیل که در میان کشورهای منطقه به‌عنوان عامل تفرقه و دودستگی شناخته می‌شود، این بار نیز درصدد بهره‌برداری از کردها برای ضربه‌زدن به کشورهای محور مقاومت از جمله جمهوری اسلامی ایران بود. اسرائیل از زمان کودتای ۱۹۵۸ در عراق به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم، به‌شدت از موج وسیع ناسیونالیسم عربی که کشورهای عرب منطقه و پیرامون اسرائیل را دربرگرفته بود، واگرم داشت. در این میان، ایران، ترکیه و ایتوبی سه کشوری بودند که اسرائیل تلاش می‌کرد تا با برقراری رابطه با آن‌ها، موازنه‌ای را که به‌سمت کشورهای عرب سنگینی می‌کرد، معکوس کند. آنچه در عراق می‌گذشت، راهی جز حمایت از کردهای عراق برای اسرائیل باقی نگذاشته بود؛ چرا که تل‌آویو بر این باور بود که حمایت از کردهایی که ارتش عراق را سرسختانه به خود مشغول ساخته‌اند، مانع ورود ارتش این کشور به نبرد خواهد شد؛ نبردی که مصر و سوریه پایه‌های اصلی آن بودند. در این میان، مشکل بزرگ اسرائیل، نداشتن مرز مشترک با کردهای عراق بود؛ به‌ویژه اینکه ترکیه و ایران، به‌عنوان دو کشوری که با موضوع خودمختاری کردهای عراق زاویه داشتند، حاضر به پذیرش چنین مسئله‌ای نبودند. کاملاً روشن بود که شاه به‌دلیل سابقه ملامصطفی بارزانی در حمایت از تشکیل جمهوری مهاباد و همچنین گذراندن دوران تبعید در شوروی و گرایش‌های چپ او، هیچ‌گاه اجازه شکل‌گیری حکومت خودمختار کردی در جوار مرز ایران را نمی‌داد.

اما محمدرضا پهلوی معتقد بود که حمایت از کردها برای جنگ با دولت عراق، از یک سو می‌تواند مانع ورود شوروی به عراق شود - که به جبهه چپ‌ها متمایل بود - و از سوی دیگر، خوزستان را از چشم ناپاک عراق دور نگاه خواهد داشت. او با همین استدلال، حمایت مشروط از کردها را آغاز کرد و به این ترتیب، مرز ایران و عراق، به پایگاه مشترک ایران و اسرائیل برای حمایت از کردهای عراق بدل شد (یونسی، ۱۳۷۳: ۱۱۵). اسرائیل از هیچ کمکی به کردهای عراق دریغ نکرد، از تأسیس دستگاه اطلاعات کردستان (پاراستن) تا کمک دست‌کم ۵۵ هزار دلار در ماه و آموزش نیروهای کرد و ارسال سلاح‌های ساخت شوروی که در جنگ با عرب‌ها غنیمت گرفته بود. این روند تا زمان توافق الجزیره که شاه ایران بدون اطلاع کردها، اسرائیل و حتی آمریکا با صدام حسین به آن دست یافته بود، ادامه داشت. به این ترتیب، اسرائیل توانست تا مدت‌ها، خطر بالقوه‌ای به نام عراق را که داعیه ناسیونالیسم عربی داشت، از خود دور نگاه دارد، اما امروز نیز اسرائیل با سوءاستفاده از تحولات جدید ژئوپلیتیکی منطقه، درصدد دستیابی به اهداف دیرینه خود یعنی ایجاد اسرائیل بزرگ و عملی کردن ایده «از نیل تا فرات» است. به همین دلیل، کردستان عراق می‌تواند نقش «هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل» را بازی کند (اخوان‌کازمی و عزیز، ۱۳۹۰: ۱۶۵). اسرائیل اگرچه کردها را در دهه ۱۹۶۰ به مبارزه با حکومت عراق فرامی‌خواند و در نزد رهبران کرد از استقلال کردها حمایت می‌کرد، به‌لحاظ راهبردی به‌دنبال پیروزی کردها نبود. هدف تلاویو از اعطای کمک مالی و تسلیحاتی به کردها، تضعیف حکومت مرکزی عراق و ایجاد بحران منطقه‌ای بود (راشل، ۱۹۹۱). به‌طور کلی، هدف اصلی اسرائیل، جلوگیری از شکل‌گیری یک دولت متحد و یکپارچه در عراق است و برای رسیدن به این هدف، از کردها استفاده ابزاری می‌کند (یاکو، ۲۰۰۳: ۲)؛ بنابراین، حمایت تلاویو نه در راستای دفاع از منافع کردها، بلکه ایجاد چالش‌های ژئوپلیتیکی در منطقه است؛ با این تصور که کردستان استقلال‌یافته می‌تواند مکانی راهبردی برای کنترل چهار کشور ترکیه، سوریه، ایران و عراق باشد.

کردها استقلال خود را بر کرکوک و چاه‌های نفتی آن بنا نهادند و از سال ۲۰۱۴ به‌دلیل حمله داعش به عراق، این منطقه تحت کنترل آن‌ها درآمد. این امر صادرات نفتی آن‌ها را از ۲۵۰,۰۰۰ بشکه به ۶۵۰,۰۰۰ بشکه در روز رسانده بود. سه هفته پس از برگزاری همه‌پرسی، با حمله ارتش عراق و نیروهای موسوم به حشد شعبی به کرکوک و تصرف این

شهر و چاه‌های نفتی‌اش، ضربه محکمی به آن‌ها وارد شد و آرزوی آن‌ها را برای رسیدن به استقلال با چالش مواجه ساخت؛ چرا که استقلال بدون کرکوک برای کردها، با توجه به محصوربودن کردستان در خشکی، دوام چندانی ندارد. تصرف کرکوک توسط دولت فدرال عراق، با همکاری اطلاعاتی کشورهای هم‌جوار و بعضاً با هماهنگی آمریکا صورت گرفت (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۶/۰۷/۲۸). تسلط دوباره ارتش عراق بر کرکوک و چاه‌های نفتی‌اش، سبب ایجاد اختلاف و دودستگی در میان رهبران کرد و کناره‌گیری مسعود بارزانی از قدرت و واگذاری اختیارات او به سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه کردستان و بعدها تعلیق همه‌پرسی در کردستان شد. علاوه‌براین، از میزان تهدیدهای ترکیه و ایران نیز که مدام اقلیم کردستان را به تحریم اقتصادی و بعضاً حمله نظامی تهدید می‌کردند، کاست.

اقلیم کردستان در مقابل اقدامات مشترک ترکیه و ایران در کنار دولت مرکزی عراق ضعیف شده بود. این وضعیت با تصویب بودجه توسط هیئت وزیران عراق و کاهش سهم اقلیم کردستان، از ۱۷ درصد به ۱۲/۸ درصد (بودجه ۲۰۱۸) وخیم‌تر شد و اقلیم کردستان را در پرداخت حقوق کارمندان و نیروهای پیش‌مرگ دچار مشکل کرد. نیچروان بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان که پس از کناره‌گیری مسعود بارزانی، مسئولیت اقلیم کردستان را برای مذاکره و عادی‌سازی روابط با بغداد و کشورهای هم‌جوار را برعهده گرفت، در پایان سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که اقتصاد بحرانی اقلیم کردستان، با نصف‌شدن صادرات نفت، با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهد شد. همچنین براساس گزارشی، صادرات نفت اقلیم کردستان پس از همه‌پرسی از ۶۵۰,۰۰۰ بشکه به ۲۵۰,۰۰۰ بشکه کاهش یافته است. بدتر از آن اینکه براساس گزارش امیرین زمان در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۷، اقلیم کردستان ۱۸ میلیارد دلار بدهکار است که ۱/۸ میلیارد دلار آن مربوط به تجار ترکیه است.

با توجه به همکاری ترکیه و بغداد، اقلیم کردستان عراق دیگر نمی‌تواند مانند قبل از همه‌پرسی، مستقل از دولت مرکزی عراق عمل کند. با این حال، اردوغان با توجه به اینکه نمی‌خواهد همه چیز تحت کنترل نخست‌وزیر عراق باشد، همه پل‌های ارتباطی ترکیه با اقلیم کردستان را خراب نکرده است. گذرگاه ابراهیم خلیل (مرز میان ترکیه و اقلیم کردستان) برخلاف اعلام مقامات عراق همچنان تحت کنترل مقامات اقلیم کردستان است و فقط براساس توافق قبلی، تعداد نیروهای کرد آن کاهش یافته است. اردوغان به‌وضوح می‌خواهد اقلیم کردستان بعد از پایان این بحران، یک منطقه پابرجا، اما متکی به ترکیه باقی بماند. بر همین اساس، اکنون شاهد گذار به دورانی از رابطه میان آنکارا و اربیل هستیم که در آن، آنکارا با حفظ همکاری با بغداد می‌خواهد رابطه با اقلیم کردستان را متوازن کند. در آینده، امکان بهبود رابطه ترکیه با نیچروان بارزانی - که براساس شایعات درمورد برگزاری همه‌پرسی مجدد بود - وجود دارد. نیچروان بارزانی در نوامبر ۲۰۱۷ گفت که می‌خواهد به آنکارا و تهران سفر کند، به این امید که آن‌ها در حل مناقشه اقلیم کردستان با بغداد، به وی کمک کنند. او همچنین اظهار کرد که ترکیه پیش از این هم به اقلیم کردستان کمک کرده است و بدین ترتیب، از ارسال کمک این کشور به زلزله‌زدگان اقلیم کردستان تقدیر کرد. شایان ذکر است که نیچروان بارزانی قبلاً رابطه خوبی با اردوغان داشت و در نوامبر ۲۰۱۶ در آنکارا با وی دیدار کرد. او تلاش کرد تا از طریق لابی با تعداد زیادی از واسطه‌های ترک، رابطه اربیل با آنکارا را بهبود بخشد. بارزانی در گام بعدی حل اختلاف میان اربیل و بغداد، به فرانسه، آلمان، بریتانیا و واتیکان سفر کرد و ضمن دیدار با آقای مکرون، خانم مرکل و خانم ترزا می و پاپ بندیکت شانزدهم، از آن‌ها خواست تا به حل اختلاف میان اربیل و بغداد کمک کنند.

علی‌رغم فعالیت‌های دیپلماتیکی که کردها در سطح بین‌المللی به‌منظور حل و فصل اختلافات با بغداد انجام می‌دادند، واقعیت‌های میدانی عراق حکایت از آن داشت که حیدر العبادی، نخست‌وزیر این کشور، تحت فشار احزاب عراقی بود که از او می‌خواستند حکومت اقلیم کردستان را به دلیل برگزاری همه‌پرسی مجازات کند، اما او تمایل چندانی برای مذاکره با اربیل نداشت و مذاکره با کردها را منوط به شروطی کرده بود که کردها آن را خلاف قانون اساسی عراق فدرال

می‌دانستند. از جمله شروط بغداد، بازگشت کردها به مرزهای قبل از ۲۰۰۳، واگذاری فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی، واریز پول فروش نفت توسط اقلیم کردستان به حساب دولت فدرال عراق و تقسیم مقرری ماهیانه حاصل از منابع آبی بود. سرانجام چهار ماه پس از برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق و پس از رایزنی‌های بین‌المللی، نچيروان بارزانی در بغداد با حیدر العبادی دیدار کرد و دو طرف بر حل اختلافات تأکید کردند. بارزانی پس از این دیدار، از بغداد به تهران آمد و تهران آمادگی خود را برای میانجیگری میان بغداد و اربیل اعلام کرد. حاصل این رایزنی‌ها توسط بارزانی در مقیاس داخلی، موافقت بغداد با بازگشایی فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی و اعطای بخشی از حقوق پیش‌مرگ‌ها، کارمندان و کارکنان اقلیم کردستان بود؛ در مقیاس خارجی نیز یکی عادی‌سازی روابط میان آنکارا و اربیل و توسعه مناسبات تجاری میان آن‌ها و دیگری بازگشایی پایانه‌های مرزی ایران با اقلیم کردستان و گسترش مناسبات تجاری میان آن‌ها بود؛ به‌گونه‌ای که نخستین همایش فرصت‌های اقتصادی میان ایران و اقلیم کردستان، در ژوئن ۲۰۱۸ در اربیل مرکز اقلیم کردستان با حضور نچيروان بارزانی و محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران آغاز به کار کرد. شایان ذکر است که ارزش مبادلات اقتصادی میان ایران و اقلیم کردستان حدود ۶ الی ۶/۵ میلیارد دلار است و حدود ۱۳۵ کارگاه ایرانی نیز در اقلیم کردستان فعالیت تجاری می‌کنند و فرصت‌هایی شغلی در اقلیم کردستان ایجاد کرده‌اند.

در مقیاس خارجی، تنش‌های اقلیم کردستان با ترکیه و ایران کاهش یافته است، اما در مقیاس داخلی عراق، تاریخ مشخصی برای حل‌وفصل اختلاف میان اربیل و بغداد وجود ندارد؛ زیرا گذشته از همه‌پرسی و عواقب آن، اختلاف میان اربیل و بغداد به قانون اساسی این کشور برمی‌گردد که از زمان تصویب آن در سال ۲۰۰۵، تاکنون مهم‌ترین علت سردی روابط دو طرف و مشکلات بین آن‌ها بوده و با برگزاری همه‌پرسی بار دیگر سر برآورده است. رهبران کرد بارها از بی‌نتیجه‌بودن دوازده سال تلاش کردها برای حضور در یک دولت فدرال سخن به‌میان آورده‌اند. چنین اظهاراتی حکایت از اختلافات عمیقی دارد که از زمان تدوین قانون اساسی این کشور تاکنون میان اربیل و بغداد وجود داشته و لاینحل باقی مانده است. عوامل مهمی که به اختلاف میان اربیل و بغداد منجر شده و مذاکرات میان طرفین را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند عبارت‌اند از: تفسیرهای متفاوت از قانون اساسی عراق، ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، توزیع بودجه کشوری، پیش‌مرگ‌ها و کنترل فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی.

عوامل اختلاف میان اربیل و بغداد

الف) تفسیرهای متفاوت از قانون اساسی عراق مجله علمی و تحقیقاتی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نخبگان کرد و عرب تفسیرهای متفاوتی از متن قانون اساسی عراق دارند؛ به‌گونه‌ای که دولتمردان بغداد از جمهوری عراق و کردها از جمهوری فدرال عراق یاد می‌کنند. آن‌ها که از جمهوری عراق یاد می‌کردند، خواهان یک دولت مرکزی مقتدر بودند؛ در حالی که در قانون اساسی عراق، از دولت دموکراتیک فدرال سخن به میان آمده است.

ب) ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق

در قانون اساسی عراق، ماده ۱۴۰ درخصوص مناطق مورد مناقشه کرد و عرب وجود دارد که طبق قانون اساسی قرار بود در سال ۲۰۰۷، دولت مرکزی برای حل‌وفصل آن همه‌پرسی برگزار کند، اما با اینکه بیش از یک دهه از تصویب این قانون گذشته است، دولتمردان بغداد حاضر به اجرایی‌کردن این ماده نیستند. مناطق مورد ادعای کردها شامل مندلی، خانقین، شیخان، سنگال، جلولا، سعدیه و کرکوک واقع در استان‌های دیاله، کرکوک، صلاح‌الدین و نینوا هستند.

پ) توزیع بودجه کشوری

مطابق قانون اساسی عراق، سهم کردها از بودجه این کشور حدود ۱۷ درصد است، اما از سال ۲۰۱۴ تاکنون، دولت عراق به بهانه اینکه کردها مستقیم اقدام به فروش نفت می‌کنند، سهم ۱۷ درصدی اقلیم کردستان را قطع کرده است. پارلمان عراق در تصویب بودجه سال ۲۰۱۸ این کشور، برخلاف قانون اساسی، سهم کردها را به ۱۲/۸ درصد کاهش داد.

ت) پیش‌مرگ‌ها

اختلاف دیگری که میان اربیل و بغداد وجود دارد، موضوع نیروهای پیش‌مرگ است. کردها معتقدند که براساس توافقاتی که طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ صورت گرفته است، نیروهای پیش‌مرگ با اینکه تحت ساختار نیروهای مسلح عراق هستند، باید تحت فرماندهی رئیس اقلیم کردستان عراق باشند، اما دولت عراق تأکید دارد که نیروهای پیش‌مرگ باید بخشی از نیروهای مسلح عراق باشند و فرماندهی آن برعهده فرمانده کل قوا یعنی نخست‌وزیر عراق باشد.

ث) کنترل فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی

کنترل گمرک‌ها و گذرگاه‌های مرزی مسئله دیگری است که پس از همه‌پرسی به مشکلات بین آن‌ها افزوده شده و مذاکرات را تحت‌الشعاع قرار داده است. با توجه به موارد فوق، اختلاف میان اربیل و بغداد بسیار شدید و نیازمند یک دیپلماسی فعال در مقیاس ملی و منطقه‌ای است؛ وگرنه شعله‌ور شدن جنگ تلفات بسیاری به‌بار می‌آورد. درست به همین دلیل است که شورای امنیت و اتحادیه اروپا و آمریکا، اربیل و بغداد را به خویشتن‌داری و بازگشت به میز مذاکرات در چارچوب قانون اساسی عراق دعوت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

کردهای عراق از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۲۰ از انضمام به عراق ناراضی بودند و همواره برای رسیدن به استقلال، با بریتانیا و حکومت مرکزی عراق درگیری داشتند. به همین دلیل شورش‌های مختلفی علیه خاندان پادشاهی فیصل، عبدالکریم قاسم، برادران عارف و حکومت بعث به‌راه انداختند تا به تعبیر آن‌ها به حشاشان در تعیین سرنوشتشان برسند. از شورش ملک محمود تا شورش ایلول به رهبری ملامصطفی بارزانی، از جنگ در کوه‌های کردستان تا تبعید در شوروی و ایران، و از ماجرای انفال تا بمباران شیمیایی حلبچه، همه و همه در راستای رسیدن به استقلالی است که کردها از آن تعبیر به «سربه‌خویی کردستان» می‌کنند. اگرچه پس از سال‌ها مبارزه، در سال ۱۹۹۱ در منطقه پروازممنوع شمال عراق توانستند حکومت نیمه‌خودمختاری تأسیس کنند، به‌علت اختلاف میان دو حزب عمده کرد (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی) و دوا‌اره‌ای‌بودن کردستان، این حرکت چندان مثمر نبود، اما با آغاز هزاره سوم و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و نقش فعالی که کردها در نابودی رژیم بعث و بعدها تدوین قانون اساسی داشتند، توانستند به سیستم فدرالی دست یابند. در این سیستم، به‌علت امنیتی که در کردستان عراق در مقایسه با دیگر نقاط عراق حاکم بود، رونق و شکوفایی اقتصادی این منطقه را فراگرفت، اما این شکوفایی به‌علت مدیریت ناکارآمد، فساد اقتصادی، اختلاف میان احزاب کرد، ظهور داعش، قطع بودجه اقلیم کردستان و اختلاف میان اربیل و بغداد چندان دوام نیاورد. کردهای عراق که بر سر ماده ۱۴۰ قانون اساسی و قطع بودجه اقلیم کردستان با حکومت فدرال عراق دچار چالش شده بودند، مدام حکومت عراق را تهدید به همه‌پرسی و جدایی از عراق می‌کردند.

آن‌ها سرانجام با هدایت بارزانی و حمایت بعضی از احزاب کرد، علی‌رغم مخالفت منطقه‌ای و جهانی، در روز ۲۵

سپتامبر ۲۰۱۷ اقدام به برگزاری همه‌پرسی کردند؛ همه‌پرسی‌ای که به ضرر کردها تمام شد و به انزوای ژئوپلیتیکی، تحریم تجاری و حساسیت ایران و ترکیه به پشتیبانی اسرائیل از همه‌پرسی کردستان انجامید. این تحریم‌ها نتیجه داد و گذشته از تسلط بغداد بر مناطق مورد مناقشه، تعلیق همه‌پرسی توسط اقلیم کردستان و استعفای مسعود بارزانی، سبب کاهش بودجه اقلیم کردستان (۲۰۱۸)، اختلافات سیاسی در میان احزاب کرد و نارضایتی عمومی در میان شهروندان اقلیم به دلیل فشار اقتصادی شد. در چنین شرایطی، نجیروان بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان کوشید تا با دیپلماسی بین‌المللی و منطقه‌ای، اندکی از فشار واردشده بر اقلیم کردستان را بکاهد. او سرانجام طی سفرهای دیپلماتیکی که به کشورهای اروپایی (فرانسه، بریتانیا و آلمان) و منطقه انجام داد، موفق شد بغداد را به بازگشایی فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی و پرداخت اندکی از حقوق کارکنان و کارمندان اقلیم کردستان راضی کند. همچنین توانست روابط میان ترکیه و جمهوری اسلامی ایران را با اقلیم کردستان بهبود بخشد؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه به موقعیت محصور در خشکی اقلیم کردستان و ناخرسندی کشورهای هم‌جوار از واگرایی کردها - با توجه به تبعات ژئوپلیتیکی‌ای که برای آن‌ها دارد - هرگونه اقدامی از جانب کردها در این زمینه، فارغ از هرگونه نتیجه‌ای محکوم به شکست است.

منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه، ۱۳۹۰، **کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل**، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، صص ۱۴۱-۱۶۸.
۲. جان ادموندز، ۱۳۶۷، **کردها، ترک‌ها و عرب‌ها**، ترجمه ابراهیم یونسی، روزبهان، تهران.
۳. نوبل، استیون و ماسری، فیلیپ، ۱۳۹۴، **منازعه قومی و سیاست بین‌الملل (چگونگی انتشار و افزایش)**، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و افشین کرمی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۴. پیشگاهی‌فرد، زهرا، ۱۳۸۳، **روش تحقیق در جغرافیای سیاسی**، نارالله، تهران.
۵. _____، ۱۳۸۶، **فرهنگ جغرافیای سیاسی**، انتخاب، تهران.
۶. _____ و رحمانی، محمدعلی، ۱۳۸۸، **قلمروخواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه**، سازمان جغرافیایی ارتش، تهران.
۷. _____، ۱۳۹۱، **مقدمه‌ای بر شناخت تهدیدات امنیت ملی ایران**، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۴، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، آستان قدس رضوی، تهران.
۹. حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱، **سیاست و فضا**، انتشارات پاپلی، تهران.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۳، **تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۸۳، صص ۳۶-۳۶.
۱۱. رابرت السین، ۱۳۹۰، **خون‌ها، باورها، برگه‌های رأی: مدیریت ناسیونالیسم کردی در ترکیه**، ترجمه هاشم کرمی، پانید، تهران.
۱۲. زارعی، بهادر، ۱۳۹۵، **مطالعات استراتژیک خلیج فارس**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. زنگنه، صباح و کریمی، حسن، ۱۳۹۶، **پیشینه گروه‌های جهادی در کردستان عراق**، سیاست خارجی، دوره سی‌ویکم، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۸.
۱۴. کینان، درک، ۱۳۷۳، **کردها و کردستان**، ترجمه ابراهیم یونسی، نگاه، تهران.
۱۵. کوهن، سائول برنارد، ۲۰۱۴، **ژئوپلیتیک نظام جهانی**، ترجمه عباس کاردان، مؤسسه ابرار معاصر، تهران.
۱۶. شیخ عطار، علیرضا، ۱۳۸۲، **کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
۱۷. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۹۳، **ژئوپلیتیک**، سمت، تهران.

۱۸. کوچرا، کریس، ۱۳۷۳، **جنبش ملی کرد**، ترجمه ابراهیم یونسی، نگاه، تهران.
۱۹. محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین، ۱۳۹۱، **ژئوپلیتیک کردستان عراق**، انتخاب، تهران.
۲۰. مرادی، اسکندر و افضل‌ی، رسول، ۱۳۹۳، **اندیشه‌های جدید در ژئوپلیتیک پست‌مدرن**، زیتون سبز، تهران.
۲۱. عیسی، ملاعمر، ۱۳۷۹، **بحران آفرینی ابرقدرت‌ها در کردستان عراق**، توکلی، تهران.
۲۲. مهری‌پور، ذبیح‌اله، ۱۳۷۶، **کردستان عراق و سیاست‌های جمهوری اسلامی**، فصلنامه راه، دوره بیست‌ویکم، شماره ۳، صص ۹۸-۷۳
۲۳. میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۲، **مبانی جغرافیای سیاسی**، سمت، تهران.
۲۴. ویسی، هادی، ۱۳۹۴، **نظریه‌های جغرافیای سیاسی**، سمت، تهران.
۲۵. رمضان‌زاده، عبدالله، ۱۳۷۵، **پویایی داخلی و بین‌المللی منازعه: مورد ایران**، ردیه، لندن.
26. Akhavan Kazemi, M., and Azizi, P., 2011, **Iraqi Kurdistan; Israel's Geopolitical Heartland**, Quarterly of Strategy, Vol. 20, No. 60, PP.141-168. *(In Persian)*
27. Edmonds, J., 1988, **Kurds, Turks and Arabs**, Translated by Ebrahim Younesi, Ruzbahan Publishing, Tehran. *(In Persian)*
28. Nobel, S., and Massrey, P., 2015, **Ethnic Conflicts and International Politics (How to Spread and Increase)**, Translated by Pishgahifard, Z., and Karami, A., Geographic Organization of the Armed Forces, Tehran. *(In Persian)*
29. Pishgahifard, Z., 2004, **Research Methodology in Political Geography**, Sarallah Publishing, Tehran. *(In Persian)*
30. Pishgahifard, Z., 2007, **Political Geography Culture**, Entekhab Publishing, Tehran. *(In Persian)*
31. Pishgahifard, Z., and Rahmani, M. A., 2009, **Iranian-American Territory Seeking Policies in the Middle East**, Army Geographical Organization, Tehran. *(In Persian)*
32. Pishgahifard, Z., 2012, **An Introduction to Understanding Iran's National Security Threats**, Geographic Organization of the Armed Forces, Tehran. *(In Persian)*
33. Hafeznia, M. R., 2005, **Principles and Concepts of Geopolitics**, Astan Quds Razavi Publishing, Tehran. *(In Persian)*
34. Hafeznia et al., 2012, **Policy and Space**, Papoli Publishing, Tehran. *(In Persian)*
35. Hafeznia, M. R., 2013, **The Impact of the Kurdish Autonomy in Northern Iraq on Neighboring Countries**, Geographical Quarterly, Vol. 20, No. 43, PP. 5-36. *(In Persian)*
36. Olsin, R., 2011, **Blood, beliefs, ballots: Kurdish nationalism in Turkey**, Translated by Karami, H., Paniz Publishing, Tehran. *(In Persian)*
37. Zarei, B., 2016, **Persian Gulf Strategic Studies**, Tehran University Press, Tehran. *(In Persian)*
38. Zanganeh, S., and Karimi, H., 2017, **The History of Jihadist Groups in Iraqi Kurdistan**, Foreign Policy, Vol. 31, No. 2, PP. 81-108. *(In Persian)*
39. Kennan, D., 1994, **Kurds and Kurdistan**, Translated by Younesi, E., Negah Publishing, Tehran. *(In Persian)*
40. Cohen, S. B., 2014, **Geopolitics of the Global System**, Translated by Kardan, A., Contemporary Abrar Institute, Tehran. *(In Persian)*
41. Sheikh Attar, A. R., 2003, **Kurds and Regional and Trans-Regional Powers**, Islamic Revolution Documentation Center, Tehran. *(In Persian)*
42. Ezzati, E., 2014, **Geopolitics**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
43. Kuchra, C., 1994, **Kurdish National Movement**, Translated by Younesi, E., Negah Publishing, Tehran. *(In Persian)*

44. Mohammadi, H. R., and Khalidi, H., 2012, **Geopolitics of Iraqi Kurdistan**, Entekhab Publishing, Tehran. *(In Persian)*
45. Moradi, E., and Afzali, R., 2014, **New Thoughts in Post-Modern Geopolitics**, Zeytoon Sabz Press, Tehran. *(In Persian)*
46. Isa, M. O., 2000, **Superpowers' Crisis in Iraqi Kurdistan**, Tavakoli Publishing, Tehran.
47. Mehripour, Z., 1997, **Iraqi Kurdistan and the Islamic Republic's Policies**, Rave Journal, Vol. 21, No. 3, PP. 43–55. *(In Persian)*
48. Mirheydir et al., 2013, **Foundations of Political Geography**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
49. Wiesi, H., 2015, **Concepts and Theories of Political Geography**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
50. Ramazanzadeh, A., 1996, **Internal and International Dynamics of Conflict: The Case of Iran**, Rutedye, London. *(In Persian)*

